

چرا باید این طور تلقی شود که روحانیت نسبت به محرومیت زنان از حقوقشان و محرومیت جامعه از حقوق و اعمال حقوقش دغدغه و حساسیت ندارد؟

سیدمحمد خاتمی، رئیس سابق دولت اصلاحات؛



سیدمحمد خاتمی، رئیس سابق دولت اصلاحات و رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز در مراسم شام شهادت امام رضا(ع) و بزرگداشت چهلمین روز درگذشت علامه محمدرضا حکیمی در حسینیه جماران گفت:

چرا باید این طور تلقی شود که روحانیت نسبت به محرومیت زنان از حقوقشان و به طور کلی محرومیت جامعه از حقوق و اعمال حقوقش دغدغه و حساسیت ندارد و چرا باید کاری کند که تلقی شود در جانب زورمندان، زرمندان، سرمایه داران و فئودال ها قرار دارد؟

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از جماران، خاتمی ادامه داد:

در خود حوزه های علمیه هم متأسفانه امام و راه امام مهجور بود و مورد غفلت قرار گرفت. در جامعه ما هنوز هم کسانی هستند که به امام، راه امام و انقلاب امام باور دارند ولی معتقدند آنچه تحقق پیدا کرد می شد بهتر از این باشد که هست.

او ادامه داد:

فضایی که انقلاب ما در آن به وجود آمد فضای چپ زده بود و این چپ زدگی در خود انقلاب ما اسنادی که مربوط به انقلاب ما می شود و کسانی که طرفدار انقلاب هستند تأثیر دارد. ما یک نوع چپ گرایی را در انقلاب خودمان هم می بینیم حتی بسیاری از کسانی که بزرگترین نقدها را بر مبانی فلسفی ماتریالیسم دیالکتیک و کمونیسم نوشته اند در عرصه اجتماعی و اقتصادی نوعی چپ گرایی دارند البته از «سوسیالیسم خدایپرست» بگیرد تا حرف هایی که در دهه 30 می زدند ما داریم. تا جایی که حتی بزرگان ما ادعا می کنند سوسیالیسم واقعی را باید در اسلام جست. حتی در قانون اساسی ما هم این چپ زدگی را تا حدودی می بینیم. به خصوص با توجه به اینکه اسلام روی عدالت خیلی تکیه می کند و هدف بعثت پیامبران را قیام مردم به قسط می داند و عدل را اساس یک جامعه خوب می داند. بالآخره این مسئله پیش می آید و هست. این مسئله که به هر حال عدالت روح دین خدا است و جامعه مطلوب جامعه ای است که عدالت در آن حکومت کند، مسئله بسیار مهمی است و به نحوی از انحاء می توانیم بگوییم روح انقلاب اسلامی هم همین بود.

خاتمی گفت:

توجه اصلی دین به زندگی جاوید و ابدی است اما به این زندگی موجود، روزمره و آنچه متعلق به این دنیا است توجه دارد و زنده بودن را به آزاد بودن انسان، حاکمیت انسان بر سرنوشت خود، نبودن زور، کرامت داشتن انسان و برخورداری از مزایای زندگی می داند. هیچ اشکال ندارد که از نظر مشرب فلسفی و مشرب فکری اختلاف نظر باشد ولی این هیچ خدشه ای در عظمت شخصیت ایجاد نمی کند. حتی ممکن است درباره عدالت و اینکه عدالت کجا را می گیرد، اختلاف نظر داشت که آیا عدالت را فقط به عدالت اقتصادی فرو بکاهیم و لوازم عدالت اقتصادی را نبینیم که اگر نباشد، آن عدالت توزیع فقر در جامعه می شود. ممکن است همه اینها را نظر داشت و معتقد بود عدالت وسیع تر از عدالت اقتصادی است و عدالت اقتصادی هم

لوازمی دارد مثل توسعه، نحوه رابطه در دنیای امروز، ارزشمند بودن تولید و البته بعدش توزیع در جای خودش و در همه این زمینه ها اختلاف نظر و اختلاف اجتهاد داشت ولی در اصل مطلب هیچ تغییری ایجاد نمی کند.

- برچسب ها: [سیدمحمد خاتمی](#) [1]  
[اصلاحات](#) [2]  
[انقلاب](#) [3]  
[تاریخ](#) [4]